

گزارشی از

## فوروم جهانی:

### نفت، حقوق بشر و جبران خسارت

برگزار کنندگان: دیدبانان نفت، پیکار زیست محیطی، و بسیاری از سازمان های بومی و توده ای اکوادر.

(۲۰ تا ۲۲ اکتبر ۲۰۰۶ - شهر کوکو، اکوادر - آمریکای لاتین)

و

### مجمع عمومی «دیدبانان نفت» Oilwach

۲۲ تا ۲۵ اکتبر ۲۰۰۶ - در شهرهای کوکو و کیتو، اکوادر

بهرام قدیمی

شهر کوچک کوکو Coco (که در عین حال فرانسیسکو د اوریانا Francisco de Orellana نام دارد) در منطقه آمازون در کشور اکوادر واقع شده است. این منطقه به خاطر وجود منابع نفتی اهمیت بیشتری یافته و درست به همین علت با مشکلات عدیده ای در زمینه بهداشت و کوچ اجباری روبروست. کوکو در روزهای ۲۰ تا ۲۲ اکتبر میهماندار بیش از ۴۰۰ نفر از نمایندگان و فعالین حقوق بشر، بهداشت، محیط زیست، تغذیه، بومیان و گروه های سیاسی بود.

هدف از این فوروم گشايش فضائی بود برای قربانیان فعالیت های نفتی در کشورهای مختلف تا در مورد تأثیر فعالیت های این صنعت بر حقوق بشر و محیط زیست، و امکان طرح فعالیت های مشترک جهت دستیابی به جبران خسارات اجتماعی و زیست محیطی معلول آن بود.

در این نشست بیش از چهارصد نفر از خود منطقه کشور اکوادر، و نمایندگانی از کشور جهان شرکت داشتند.

#### برنامه همایش

روز ۲۰ اکتبر: گردش یا تور سمی. دیدار از منطقه نفتی و چاه های نفت، آلودگی های حاصل از آن، و گفت و گو با ساکنین محل و آسیب دیدگان از فعالیت های نفتی.

ساعت ۱۷: راه پیمایی در دفاع از محیط زیست.

ساعت ۱۹: مراسم افتتاحیه فوروم

ساعت ۱۹، ۳۰: تریبونال خلقی علیه شرکت چند ملیتی شورون - تکزاکو

روز ۲۱ اکتبر:

۱- شهادت از تجاوز به حقوق مردم در منطقه نفتی - شبکه آنخل شینگره (اکوادر)

۲- شرکت های چند ملیتی و تجاوز به حقوق بشر - میشائل کانیا کریکپو (نیجریه)

۳- نفت و درگیری های نظامی در خاور میانه - بهرام قدیمی (ایران)

- ۴- میلیتاریزم و کنترل منابع - جنبش گاز شوو - (بیرمانی)
  - ۵- عدالت زیست محیطی - خوان المدراس (هندوراس)
  - ۶- حقوق بشر و طرح کلمبیا - دیانا مورسیا (کلمبیا)
  - ۷- کنترل منطقه: مورد آیاک (آلaska)
  - ۸- پروسه سرکوب - جبهه دفاع از آمازون
  - ۹- جبران خسارات واردہ به محیط زیست: تجربه شرکت اکسون بالدز
  - ۱۰- بازسازی بافت اجتماعی - کارلوس برینشتین (سرزمین باسک)
  - ۱۱- بازستانی منابع: مورد بولیوی - پابلو ویگاس (بولیوی)
  - ۱۲- چشم انداز جنسیت ها و گوناگونی، خشونت علیه زنان و جبران خسارت - (ونزوئلا)
- و دست اخر برنامه فرهنگی

روز ۲۲ اکتبر: کارگاه های مختلف بحث و گفت و شنود با تم های زیر:

- کنفرانس منطقه ای مدافعان حقوق بشر
- جبران همه جانبه خسارات (پیکار زیست محیطی)
- استراتژی نظامی گری جهانی و تأثیر آن بر حقوق بشر [در این بخش در مورد شرایط نظامی و مقاومت کارگران نفت بصره نیز گزارشی داده شد]
- حقوق زنان و فعالیت های نفتی
- منطقه بومی، همه پرسی و خود مختاری (کنفرانسیون ملی بومیان - اکوادر)
- آیا واقعاً انرژی الترناتیو، الترناتیو است؟ (مهندسین بدون مرز و کویا سولار)
- خلق های بدون ارتباط [منظور بومیانی است که در آمازون با جامعه خارج از جنگل ارتباطی ندارند]
- منطقه، خدمات زیست محیطی، بازار کربن [ذغال سنگ] و آب

در کنار این دو روز سخنرانی، بحث و گفت و گو، نمایشگاه های مختلفی نیز در محل همایش برگزار شده بود:

- نمایشگاه بذر [بذرهای آلوده نشده به تغییرات ژنتیکی]
- نمایشگاه صنایع دستی
- انرژی های بدیل و راه های دیگر
- نمایشگاه کتاب

محورهای اصلی این فوروم:

تجاوز به حقوق بشر توسط فعالیت های نفتی

- حملات علیه فعالین حقوق بشر

- جبران خسارات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی

- بدیل های همه جانبه

فضای جمع و جور این همایش که خود به نزدیکی هرچه بیشتر شرکت کنندگان و سهیم شدن درصد بیشتری از شرکت کنندگان می شد، یکی از مزایای این همایش بود. ولی مهمترین دستاورده آن شرکت سازمان های توده ای، به خصوص بومیان اکواذری که تجربه طولانی مبارزه علیه شرکت تکزاکو را دارند، در کنار روشنفکران و دانشگاهیان متعهد و کوشش در جهت تافقی مبارزه عملی و روزمره با فعالیت های آکادمیک بود.

برای من که برای اولین بار به اکواذر رفته بودم و فقط دورادر از مبارزات بومیان متشکل در کنفراسیون ملی بومیان CONAI شنیده بودم، دیدار با فعالین سیاسی و مبارزین بومی بسیار آموزندۀ بود. اما جالبتر از آن کار ارزنده محققینی بود که هر کدام به شیوه و در حوزه‌ی خاص خود، پرچم مبارزه را علیه سرکوب و کارخانه‌های تحقیق شرکت های چند ملیتی برافراشته اند. از جمله بحث تکان دهنده دکتر آدولفو مالدونادو در مورد سمپاشی های مناطق مرزی کلمبیا و اکواذر بود. وی همراه با فعالین دیگر «پیکار زیست محیطی» با بررسی بیماری های مختلف در طول مرز و در فواصل پنج و ده و بیست کیلومتری از آن، به روشی ثابت کرد که سم پاشی های هوائی تنها باعث از بین رفتن گیاهان نمی شود، بلکه تأثیر منفی آن روی انسان و حیوانات را می توان با تأثیرات بمب اتمی مقایسه نمود.

از سوی دیگر وی با نمایش دادن نقاشی کودکان در مدارس مناطقی که عملیات نظامی طرح کلمبیا در آن پیش برده می شود، پریشانی روحی آنان را نیز اثبات نمود.

سخنان وی همان دردها و رنج هائی را بازگو می کرد که هیئت های آفریقائی از مناطق معدنی و نفتی افريقا شهادت می دادند.

بحث جبران خسارات، شاید برای ما ايرانيان هنوز بحث روز نیست. چرا که ما حتی در موقعیتی نیستیم که بخواهیم از آن سخن بگوئیم، اما این بحث در آینده، نه تنها برای خانواده های ناپدید شدگان و اعدامی ها، بلکه برای کل جامعه در ایران، از جمله برای آسیب دیدگان از فعالیت نفتی، نیز مطرح خواهد بود. همین یک هفته پیش با نشت نفت از پالایشگاه نفت در تهران، تعداد زیادی از ساکنین اطراف آن بر اثر مواد سمی، به سوختگی پوست، و به احتمال زیاد بیماری های دیگری دچار شدند. این افراد نیاز به درمان دارند. چه کسی مسئولیت چنین جنایاتی را می پذیرد؟ چه کسی را باید به محکمه کشید؟ و مهمترین سؤال این است که آیا امكان دارد در آینده جلوی چنین تصادفاتی را گرفت؟

در این فوروم کوشش شد برای این سؤالات و سؤالات بسیار دیگری پاسخ مناسب یافت. با این حال تجربه کستاریکا (بر اثر مبارزات مردم، استخراج نفت در کستاریکا منوع شد. آگر چه رئیس جمهور فعلی این کشور با کمک شرکت نفتی بزریل، پتروبراس می کشد تا این قانون را از پیش پا بردارد) نشان داد که فقط و فقط با مبارزات مستقیم مردم می توان جلوی شرکت های چند ملیتی ایستاد.

\* \* \* \* \*

### مجمع عمومی دیدبانان نفت

دید بانان نفت چتری سنت که در آن سازمان ها و گروه های مختلفی از کشورهای «جنوب» می کوشند مبارزات مختلف علیه شرکت های چند ملیتی و ملی نفت را به اشکال مختلف به پیش ببرند. بسیاری از اعضای این ائتلاف معتقدند که در یک پروسه، باید به جای استفاده از انرژی

فسیلی، از انرژی های بدیل سود برد. این بحث اگر چه دیرزمانی سنت که جریان دارد، اما با اسرار کارتل های نفتی، به چالش چپ بدل شده است. با توجه به سود سرشار هیدروکربورها و مواد مختلفی ثانوی حاصل از آن، تمام تبلیغات این شرکت ها و دول وابسته به آن بر این اساس استوار است که توده های مردم را تحمیق کنند مبنی بر اینکه هیچ راه حل دیگری وجود ندارد. آنان ویرانی محیط زیست را «پیشرفت» می نامند و خصوصی کردن منابع طبیعی را «دملکراسی». در چنین شرایطی سنت که پروراندن رویا، گام نخست می شود.

ده سال پیش با شرکت نمایندگانی از کامرون، گابن، نیجریه، آفریقای جنوبی، تایلند، مکزیک، گواتمالا، کلمبیا، اکوادر، و پرو شبکه ای به منظور مقاومت علیه فعالیت های نفتی در شهر کیتو، در اکوادر تأسیس شد.

این شبکه با هدف دستیابی به استراتژی های بین المللی برای جوامع آسیب دیده از فعالیت های نفتی و کمک به پروسه های مقاومت و مبارزه علیه این فعالیت ها بوجود آمد.

از ده سال پیش تا کنون «دیدبانان نفت» توانسته اند در مواردی نیز به کسب موفقیت نائل آیند. و در کنار فعالیت های اگاه گرانه به انتشار آثاری چون: اطلس جهانی نفت (انگلیسی و اسپانیائی)، جزوء آموزشی ناظرت بر نفت (اسپانیائی)، صدای مقاومت، استخراج نفت در کشورهای مناطق حاره (آنگلیسی، اسپانیائی، فرانسه)، شیوه غربی استخراج نفت در کلمبیا، اکوادر و پرو (اسپانیائی)، و... آخرین کتاب دیدبانان نفت «بین رویا و حافظه: ده سال مبارزه، ده سال مقاومت» نام دارد که در اکتبر ۲۰۰۶ انتشار یافته است.

دیدبانان نفت تأسیس شده است تا برای جبران خسارات اجتماعی و زیست محیطی حاصل از فعالیت های نفتی مبارزه کند. این تشكل برای اعاده حقوق اساسی خلق ها و جوامعی که بر اثر فعالیت های نفتی آسیب دیده اند، در سطوح محلی، منطقه ای و جهانی فعالیت دارد و به استقلال در انرژی معتقد است، از همین روست که انرژی بدیل را مورد تأکید و تبلیغ قرار می دهد.

ارگان اصلی اویل واچ «بولتن مقاومت» نام دارد. این بولتن داخلی سنت و تا به حال ۱۶ شماره از آن منتشر شده است. کار این بولتن تجزیه و تحلیل اتفاقات، مبادله عقاید و اطلاعات و نشریات منطقه ای سنت.

دیدبانان نفت مانند همه «سازمان های غیر دولتی» از طریق کمک های مالی مخارج خود را تأمین می کنند. یکی از پرنسیپ های آن عدم پذیرش پول از سوی دولت آمریکا، US-AID و سازمان های وابسته به آن و GTZ آلمانی سنت. بدین ترتیب دیدبانان نفت می کوشند از فشار قدرتمندترین کشورها و سازمان هایشان مصون بمانند. این که این مصونیت تا چه حد به کار مستقل آن یاری می رساند و یا به آن ضربه می زند، امری سنت که با گذشت زمان روشن خواهد شد. اما وقتی به تجربه بسیاری از «سازمان های غیر دولتی» رجوع کنیم، خواهیم دید که این کوشش به خودی خود ارزشمند و آموزنده است.

خانم اسپرنازا مارتینز، در گزارش خود از وضع مالی دیدبانان نفت تعریف کرد که یکی از «سازمان های غیر دولتی اروپا» که سال ها به آنان یاری می رساند، به علت آن که دیدبانان نفت حاضر نشدند نکته مورد نظر آنان را به فعالیت هایشان بیفزایند، کمک های خود را قطع کرده است. استقلال سیاسی هدف دیدبانان نفت است.

#### مجمع عمومی:

گروه های مختلف متشكل در دیدبانان نفت از کشورهای خود گزارش دادند. برای من گزارش های دوستانی که از آفریقا آمده بودند، بخصوص از نیجریه بسیار تکان دهنده بود. اما

جالبترین بخش آن مربوط می شد به شیوه کار کشورهای جنوب آمریکا که دولت هایشان خود را چپ می نامند. برای مثال: بزرگ و نزولای که هر دو می خواهند تولید نفت خام را بالا ببرند، به همین منظور تبادل تجربه را در دستور کار خود قرار داده اند. پتروبراس (بزرگی) با فشار به دولت بولیوی می کوشد از پروسه ملی شدن هیدروکربورها در این کشور پیشگیری کند.

در عین حال نزولای قصد دارد با کشیدن یک لوله نفت به آمریکای مرکزی و یکی به آمریکای جنوبی حوزه فعالیت های خود را گسترش دهد. این گسترش فعالیت در عین حال به مفهوم مصادره اراضی بومیانی است که در مسیر این لوله ها ساکن اند. هیچ کدام از این کشورها برای مردم فقیر منطقه ارزش قائل نیستند و لوله های نفت، اگر برای بخش کوچکی از جامعه «پیشرفت» باشد، برای این مردم به معنی فقر و نابودی است.

اعتراض فعالین دیدبان نفت از جمله بر این امر استوار است که هیچ کدام از این دول «چپ» چشم اندازی در مورد تولید انرژی بدیل ندارند و این امر اصولاً برایشان مطرح نیست.

نکته دیگری که در بحث ها چشمگیر بود، موضوع «استقلال تغذیه» بود. از مدتی پیش بحث محافل امپریالیستی، بخصوص بانک چهانی و صندوق بین المللی پول در مورد تولید سوخت اتومبیل توسط گیاهان، بخصوص سویا (سوجا) است. آنان در کشورهای مختلف، از جمله آرژانتین و اروگوئه مناطق وسیعی را به کشت سویایی ترانس ژنتیک اختصاص داده اند. از این طریق هم تولیدات محلی سویا را آلوده به بذر ترانس ژنتیکی می کنند و هم بخش وسیعی از اراضی حاصلخیز را که مورد نیاز تولیدات کشاورزی به منظور مصرف داخلی است، به خود اختصاص می دهند. جای خالی این تولیدات را فقط می توان از طریق واردات پر کرد. وارد کردن مواد غذائی به مفهوم وابستگی این کشورها به تولید کنندگان آن، بخصوص ایالات متحده است.

به طور کلی می توان نکاتی را که در مجمع عمومی دیدبانان نفت بحث شد این گونه بر شمرد:

۱- تولیدات هیدروکربور و به طور کلی انرژی وابسته به مواد فسیلی به هر حال روزی به پایان خواهند رسید. از همین رو جستجوی بدیل برای بشریت الزامی است و به هیچ عنوان نمی توان آن را به فراموشی سپرد.

۲- خروج از استفاده از انرژی فسیل امری نیست که بتوان آن را یک روزه به عمل در آورد. برای این هدف باید بودجه های تحقیقاتی در نظر گرفت. اما شرکت های نفتی به خاطر از دست ندادن سود سرشارشان حاضر نیستند چنین امری در چشم انداز قرار گیرد. از همین رو با استفاده از تبلیغات گستره می کوشند آن را از اذهان توده های مردم بزدایند.

۳- استفاده از تولیدات کشاورزی به منظور تبدیل آن به سوخت، باعث از میان رفتن «استقلال غذائی» در کشورهای پیرامونی است. شرکت های چند ملیتی نفتی و مهندسی ژنتیک برندهای اصلی این عدم استقلال خواهند بود.

۴- برای استفاده از انرژی خورشیدی هنوز به اندازه کافی تحقیق انجام نگرفته است. عدم تخصیص بودجه های تحقیقاتی در این مورد را نیز باید به حساب فشارهای شرکت های نفتی روی سیاستمداران گذاشت.

۵- ملی شدن نفت را نباید با استفاده اجتماعی از آن یکی دانست. با این حال اگر چه کنترل دولتی نفت هم به مفهوم استفاده از آن در همان چار چوب سرمایه داری است، اما حتی اگر ملی شدن آن فقط به مفهوم ضربه زدن به قدر قدرتی شرکت های چند ملیتی باشد، باید از آن استقبال نمود. در کنار آن با توجه به تجربه از کشورهایی که در آن نفت ملی شده و مقایسه آن با کشورهایی

که در آن نفت در اختیار شرکت های خصوصی قرار دارد، می توان مدعی بود که کارگران در کشورهایی که در آن نفت ملی شده است، عموماً از امکانات بیشتری برخوردارند. در مورد محیط زیست این موضوع عمومیت ندارد. اما باز هم بر اساس تجربه می توان گفت که شرکت های چند ملیتی معمولاً می خواهند با حداکثر سرعت تولید کنند. به همین علت شدت تأثیرات منفی این تولید بر محیط زیست نیز بالاتر است.

شرکت های نفتی معمولاً ابتدا فقط به نام استخراج وارد کشورها می شوند، اما پس از مدت کوتاهی، با گسترش فساد مالی، کنترل مطبوعات و سیاستمداران را در دست خود می گیرند. نمونه بولیوی تنها مورد نیست. در همان حال وقتی از ملی شدن حرف می زنیم، به معنی بیرون کشیدن کنترل کشور از دست شرکت های چند ملیتی نیز هست.

۶- امنیت فعالین دیدبان نفت. تشکیل یک سیستم خبری برای یاری رساندن به افرادی که در کشورهای خود تحت فشار قرار دارند، و یا به خاطر فعالیت هایشان دستگیر می شوند. بخصوص در مورد افريقا اين امر بسیار جدی است. نماینده دیدبانان نفت در نیجریه تازه یک هفته پیش از جلسه از زندان آزاد شده بود.

۷- بقیه بحث ها به امور تشکیلاتی و سازماندهی دیدبانان نفت اختصاص داشت. در این مجمع از جمله تصمیم گرفته شد تا دفتر مرکزی دیدبانان نفت از کیتو (اکوادر) به آفریقا انتقال یابد.  
۳۰ اکتبر ۲۰۰۶

